



اتحاد ملی و انسجام اسلامی در اندیشه‌ی مفسر المیزان علامه طباطبایی (ره)

دکتر مهدی سلطانی رنایی

چکیده

از جمله نیازهای فطری انسان، ارتباط و اتحاد وی با دیگران (وحدت اجتماعی) است؛ زیرا براساس وحدت اجتماعی است که ارزش‌های اخلاقی در نهاد بشریت شکوفا شده و رشد می‌نمایند و انسانی که در یک اجتماع برخوردار از اتحاد ملی و انسجام اسلامی زندگی می‌کند، نمی‌تواند نسبت به هم‌نوعان و افراد پیرامون خود بی‌اعتنا می‌باشد و فقط صلاح و مصلحت خویش را در نظر داشته باشد. همچنین در سایه اتحاد ملی و انسجام اسلامی، جامعه در برابر بیگانگان شکست نمی‌خورد و از تمام خطرات بیرونی و درونی مصون می‌ماند و براساس آن انسان‌ها متوجه مسؤلیت‌های اجتماعی و عمل به وظایفی که در برابر جامعه و افراد آن دارند می‌شوند. در این مقاله سعی نگارنده آن است که به تحلیل اهمیت اتحاد ملی و انسجام اسلامی و به تعبیری همان وحدت اجتماعی در جامعه اخلاقی مطلوب در اندیشه‌های تفسیری عارف بالله و سالک الی الله، علامه طباطبایی «رضوان... تعالی علیه» پردازد.

کلید واژه‌ها :

اتحاد ملّی و انسجام اسلامی، وحدت اجتماعی، علامه طباطبایی (ره)

اتحاد ملّی و انسجام اسلامی، آرمان بلند هر جامعه اسلامی و انسانی است، که قلب هیچ مسلمان دلسوزی از آرزوی آن خالی نیست. نه تنها بر پایه وحدت اجتماعی مبتنی بر مبانی عقلی است، بلکه آیات و سنت نبوی و همچنین سیره ائمه (علیهم السّلام) بر آن گواه و استوار است.

قرآن کریم جامعه انسانی را در طبیعت اولی و فطرت خود، اَمّت واحد معرفی می‌کند:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»^۱ و «وَمَا كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»^۲

اما واقعیت تاریخی بر این پایه استوار است که جوامع انسانی به مقتضای امتحان الهی، همواره درگیر اختلاف بوده‌اند و در این میان تنها گروهی هدایت می‌شوند که مورد رحمت خداوند متعال قرار گیرند:

«وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُتَخَلِّفِينَ الْأَمْنُ رَحِمٌ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»^۳

قرآن کریم ریشه‌های اختلاف را در جهل و تقلید کورکورانه^۴، مطامع مستکبرین^۵، و ساوس شیطان^۶ و تعدی به حقوق دیگران^۷ بیان فرموده و اَمّت اسلام را به وحدت ملّی و انسجام اسلامی دعوت نموده و از آن به عنوان نعمت الهی یاد می‌کند^۸. در سخنان معصومین نیز بدین مساله بسیار توصیه شده است؛ از جمله پیامبر اعظم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» می‌فرماید: «مثل افراد با ایمان در دوستی، وحدت و نیکی به یکدیگر همچون اعضای پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید اعضای دیگر را نیز قرار و آرامشی نخواهد ماند»^۹.

حضرت علی (علیه السّلام) فرمودند: «همیشه همراه جمعیت‌های بزرگ باشید که دست خدا با جماعت است، و از پراکندگی پرهیزید که انسان تک و تنها بره‌ی شیطان است، چونان که گوسفندان طعمه گرگ»^{۱۰}

اتحاد ملّی و انسجام اسلامی در اندیشه‌ی علامه طباطبایی (ره)

مفسر عالی مقام و فیلسوف متأله علامه سید محمد حسین طباطبائی «رضوان الله علیه» از اتحاد ملّی و انسجام اسلامی در اجتماع انسانی با مقوله وحدت اجتماعی یاد نموده و از آن به عنوان نیرو و ابزار پایه ای جامعه اخلاقی مطلوب نام می‌برد و می‌فرماید: «دستور به یاد آوری و متذکر شدن خداوند به نعمت اتحاد و یگانگی، مطابق دأب قرآن شریف است، تا دعوت به وحدت ملّی و

انسجام اجتماعی براساس خیر و هدایت را صحیح بنا گذارده باشد، نه آن که دستور به تقلید عامیانه و کورکورانه داده باشد؛ زیرا از روش و تعلیم الهی بسی به دور است که مردم را از یک طرف به سعادت و علم دعوت کند و از جانب دیگر آنان را در منجلاب تقلید و تاریکی جهل نگهدارد. دلیل اصلی دعوت به اتحاد و انسجام اسلامی، همانا مشاهداتی است که افراد جامعه از تلخی دشمنی‌ها و شیرینی دوستی‌ها و برادری‌ها نموده‌اند و همچنین برای سعادت و نیکبختی خودشان و رسیدن ایشان به رستگاری است. اجتماعی که اساسش بر پایه اختلاف و عقاید متشمت نهاده شود، به ناچار امیال نفسانی و زورگویی فردی در آن حکومت کرده و به پست‌ترین زندگی‌ها آن را سوق می‌دهد. در چنین جامعه‌ای همیشه جنگ و جدال حکومت داشته و راه فنا و نیستی به روی افرادش باز است. اجتماعی که هدف واحد و روشنی نداشته باشد، در آتش جهالت و نادانی به سر می‌برد و از چاهی که در آن سقوط کرده راه نجاتی نخواهد داشت».^{۱۱}

عَلَمَهُ طِبْاطِبَائِي «رضوان الله علیه» به دلایل ذیل نیز، اتحاد ملی و انسجام اسلامی در جامعه را جزء لاینفک و پایه‌ی مستدام اجتماع اسلامی و انسانی می‌دانند:

۱. دین اسلام به عنوان دین خاتم تا ابد هدایتگر بشر و تنها دین پذیرفته شده است:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^{۱۲}، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»^{۱۳}؛

زیرا خداوند بدین وسیله پیمودن راه میثاق و پیمان را تأکید کرده است و دین اسلام به دلیل برخورداری از آیین کامل الهی و به عنوان شریعتی پایدار از عهده چنین تأکید و سفارشی در هدایت بشریت و راهنمایی آنها به سوی وحدت و همدلی برمی‌آید؛ تا آنجا که اختلافات جزئی و غیرمنطقی نمی‌تواند یکپارچگی این امت را مخدوش سازد.^{۱۴}

۲. اتحاد ملی و انسجام اسلامی، موجب هماهنگی افراد جامعه در مقصد و هدف می‌گردد

و بدین جهت «امت واحد» بر آنها اطلاق می‌شود؛ زیرا زندگی را به سادگی و بدون هیچ مشاجره‌ای سپری نموده و هیچ اختلافی در مذهب و عقیده بین آنان نخواهد بود.^{۱۵}

۳. با وجود وحدت ملی در اجتماعی انسانی بود که بعثت انبیا تشریح گردید و کتاب‌های آسمانی فرود آمد تا امتی واحد برای بشریت ایجاد نمایند و از ورطه پراکندگی و تفرقه آنان را برهانند که

«فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا

فِيهِ»^{۱۶}

۴. زوال و حدت اجتماعی و انسجام اسلامی، بنیان جامعه اخلاقی مطلوب را سست و ویران می‌نماید؛ زیرا بدون اتحاد، نزاع و کشمکش در جامعه رواج یافته و اختلاف بین افراد جامعه به



وجود می‌آید، در نتیجه ضعف اراده بر آنها حاکم شده، عزت، دولت و نیروی غلبه بر دشمن را از دست می‌دهند، بدین جهت خداوند متعال فرموده: «ولما تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم».

پی‌نوشت‌ها:

۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷؛ غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۲۶
۱۱. ر.ک: طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، صص ۲۸۰-۲۸۴
۱۲. سوره آل عمران / آیه ۱۸
۱۳. همان / آیه ۸۵
۱۴. ر.ک: طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۶، صص ۲۲۹-۲۳۴
۱۵. ر.ک: همان، ج ۳، صص ۲۳۶-۲۳۷
۱۶. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷؛ همچنین همان کتاب، ترجمه موسوی همدانی، ج ۳، صص ۲۴۲-۲۵۴ (ذیل آیه ی ۲۱۳ سوره بقره)
۱۷. ر.ک: همان، ج ۱۷، ص ۱۵۱
۱. سوره بقره / آیه ی ۲۱۳
۲. سوره یونس / آیه ی ۱۱۷
۳. سوره هود / آیه ی ۱۱۷
۴. ر.ک: طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۶، صص ۲۸۰-۲۸۴
۵. سوره قصص / آیه ی ۴
۶. سوره مائده / آیه ی ۹۰
۷. سوره بقره / آیه ی ۲۱۳
۸. سوره آل عمران / آیات ۱۰۳-۱۰۵
۹. ر.ک: ابوالفتح رازی، تفسیر روح الجنان، ج ۲، ص ۴۵۰، ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران / همچنین ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷۴ و متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۳